

## راهبرد شبکه‌سازی و جایگاه ج.ا.ا در سیاست خارجی هند در اوراسیا \*

10.30495/pir.2022.1922913.3193

ابراهیم طاهری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

### چکیده

کشورها در نظام بین‌الملل کنونی تلاش می‌کنند با پیوند زدن موضوعات با مکان‌ها شبکه‌های موردنظر را ایجاد کنند. هند نیز از این قاعده مستثنا نیست و تلاش دارد شبکه مدنظر خویش را ایجاد کند. سؤال پژوهش این است شبکه‌سازی در سیاست خارجی هند دارای چه ویژگی‌هایی است و ایران از چه جایگاهی در راهبرد سیاست خارجی این کشور در اوراسیا برخوردار است؟ نتایج نشان می‌دهد طبق استراتژی کلان هند، دایره اول راهبرد شبکه‌سازی سیاست خارجی هند شامل همسایگان بلافصل این کشور باهدف پیوند میان آسیای جنوب غربی با آسیای جنوب شرقی است. حلقه بعد شامل کشورهای حاشیه اقیانوس هند از جمله ایران است. در نهایت حلقه سوم به دنبال پیوند هند با آسیای مرکزی و فراتر از آن در قالب کریدور شمال- جنوب است که البته حلقه‌های سه‌گانه همراه با هم یک شبکه را تا اوراسیا می‌سازند. ایران در حلقه دوم شبکه‌سازی هند قرار دارد و هند با حضور در چابهار به دنبال رقابت با چین و پاکستان است. هدف این پژوهش بررسی راهبرد شبکه‌سازی هند و جایگاه ایران در این شبکه در اوراسیا با استفاده از رویکرد شبکه‌ای است. روش پژوهش مورد استفاده تطبیق مورد با نظریه با استفاده از شیوه توصیفی- تحلیلی خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** هند، شبکه، اوراسیا، ژئواکونومیک، ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

etaheri@yazd.ac.ir

\* این مقاله در قالب طرح پژوهی با عنوان «آینده پژوهی ساختار قدرت در کلان منطقه اوراسیا با تأکید بر راهبرد سیاست خارجی چین، روسیه و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران» به پشتیبانی مالی، مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران انجام شده است

## ۱- مقدمه

امروزه کشورها برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود از ابزارهای مختلفی بهره می‌گیرند. یکی از این ابزارها شبکه‌سازی است. به‌واقع، کنشگران از این طریق در قالب پیوند زدن موضوعات با مکان‌ها تلاش می‌کنند به اهداف خود در سیاست خارجی دست پیدا کنند. هند نیز از این قاعده مستثنا نیست. این کشور به خاطر الزامات مربوط به توسعه ناچار شده روابط صلح‌آمیزی حتی با کشورهای بی‌برقرار کند که با آن‌ها اختلافات مرزی جدی دارد. این کشور با لحاظ رویکرد شبکه‌سازی تلاش کرده بر نفوذ خویش در محیط‌های مختلف اجرای سیاست خارجی‌اش بیفزاید. به‌خصوص که رقیب اصلی این کشور در آسیا یعنی چین نشان داده از طریق ابتکار یک کمربند و یک جاده آرزوهای بزرگی را بر خویشتن تعریف کرده است. با این اوصاف سؤال این پژوهش این است که سؤال پژوهش این است راهبرد شبکه‌سازی هند در اوراسیا با تأکید بر ایران دارای چه ویژگی‌هایی است؟ فرضیه پژوهش این است که طبق استراتژی کلان هند، دایره اول شبکه‌سازی هند شامل همسایگان بلافصل این کشور در آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوب غربی، سپس کشورهای حاشیه اقیانوس آرام و نهایتاً محیط‌های فراتر از این دو بخش از جمله آسیا مرکزی و کلان منطقه اوراسیا هست. همچنین نتایج نشان می‌دهد ایران در ایران در حلقه دوم شبکه‌سازی هند قرار دارد و دهلی نو با حضور در چابهار به دنبال رقابت با چین و پاکستان است اگرچه با رویکردی بلندمدت به دنبال اجرایی کردن کریدور بین‌الملل حمل‌ونقل شمال-جنوب با مشارکت تهران برای حضور در اوراسیا به منظور تثبیت جایگاه خویش به‌عنوان یک قدرت بزرگ است. برای عملیاتی کردن فرضیه پژوهش در بخش اول بر چهارچوب مفهومی و نظری پژوهش یعنی شبکه‌سازی می‌پردازد، بخش دوم به بررسی ویژگی‌های شبکه سیاست خارجی هند در آسیای جنوب شرقی پرداخته خواهد شد، بخش سوم به بررسی راهبرد شبکه‌سازی در سیاست خارجی هند در اوراسیا می‌پردازد و در بخش چهارم جایگاه ایران در شبکه سیاست خارجی هند در اوراسیا اشاره دارد و در آخر نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

## ۲- بنیان‌های نظری و مفهومی پژوهش: رویکرد شبکه‌ای

اصولاً شبکه، سازه فیزیکی است که از طریق پیوندهای ارتباطی بین اجزاء تشکیل‌دهنده به وجود می‌آید، به‌عبارت‌دیگر، می‌توان شبکه را سازه‌های ارتباطی در نظر گرفت. در شکل‌گیری یک شبکه، کنشگران از پیوند بین موضوعات و مکان‌ها استفاده می‌کنند و شبکه دلخواه خویش را ایجاد می‌کنند (قاسمی و لطفیان اکبرآبادی، ۱۳۹۲: ۹۷). تنوع ارتباطی واحدها و گره‌ها هم‌زمانی ارتباطات و تداخل مرزبندی آن‌ها، سبب شکل‌گیری شبکه‌های مختلف اما متداخل می‌شود. این امر هم‌زمانی ظرفیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری را می‌طلبد. به‌واقع نقش هم‌زمان ملاحظات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر همراه باهم در شکل‌گیری یک شبکه منطقه‌ای و حتی جهانی انکارناپذیر است. شبکه‌سازی مستلزم پیوند خرده سیستم‌های موجود، ائتلاف‌سازی واحدهای درگیر در این شبکه هست. این پیوند و ائتلاف‌سازی دارای ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیک است. هند به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک توان شبکه‌سازی را

خواهد داشت، از جمله ایفای نقش پیوندی بین ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و آسیای جنوب غربی (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

در قالب رویکرد شبکه‌ای، سیستم جهانی تبدیل به شبکه جهانی خواهد شد که خود به سه شبکه تابعه اما اصلی، تحت عنوان، شبکه ژئوپلیتیک، شبکه ژئواکونومیک و شبکه ژئوکالچر دسته‌بندی می‌شود که با وجود حوزه‌های متمایز رفتاری، پیوندهای کارکردی، ارتباطی، محیطی و کنترلی در میان آن‌ها برقرار است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۳). به همین سبب مفهوم منطقه نیز در قالب مفهوم شبکه منطقه‌ای باز تعریف می‌شود که با خود دلالت‌های خاص را در پی خواهد داشت.

در این میان نقش و میزان تأثیرگذاری کشورها و مناطق سه‌گانه در چرخه جهانی قدرت و اقتصاد متفاوت است. به عبارت دیگر میزان و نحوه مشارکت واحدها در فرایند جهانی‌شدن و توزیع پیوندهای راهبردی بین آن‌ها از جمله متغیرهای تأثیرگذار در امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شوند. به دنبال مشارکت نابرابر، بهره‌مندی متفاوت و بازی‌های اقتصادی نابرابر نیز شکل خواهد گرفت. نوع جریان‌ات درونی مناطق نیز متفاوت است. برخی از مناطق از همگرایی درونی بیشتری برخوردار هستند و جریان‌ات مرتبط با آن مانند حجم مبادلات تجاری دارای شدت بیشتری است. در برخی دیگر جریان‌ات از بیرون از منطقه به درون آن سمت‌گیری شده است یا سمت‌گیری آن‌ها به محیط بیرون منطقه‌ای است. پس نوعی جهانی‌شدن نابرابر شکل گرفته است و منافع کشورها نیز در درون این جریان متنوع است (Gomory, and Baumol, 2009: 547).

در صورتی که جهانی‌شدن به باز تعریف امنیت اقتصادی منجر شود، به همان میزان تعریف مجددی از نگرانی‌ها را نیز در مورد تهدیدات اقتصادی سبب خواهد شد. بحران مالی دهه ۱۹۹۰ که از بازارهای آسیا شروع شد، بیانگر این موضوع است (Kahler, 2004: 23). پیوند بین بحران‌ها در سرمایه‌داری شبکه‌ای شده از جمله مهم‌ترین ناامنی‌های موجود است؛ بنابراین در این حالت مناطق در معرض بحران‌هایی قرار دارند که در مناطق دیگر ریشه دارد.

### ۳- سیاست خارجی هند و شبکه‌سازی در شرق آسیا

سیاست خارجی هند نسبت به جهان بیرون طی یک و نیم دهه گذشته دچار تغییرات بنیادی شده است. از عوامل تغییر و تحولات در سیاست خارجی این کشور فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حاکم شدن فضای اقتصادی در قالب پارادایم جهانی‌شدن است؛ بنابراین پایبندی به اصولی چون عدم تعهد، سیاست خارجی مستقل و جهان سوم‌گرایی جای خود را به عمل‌گرایی در قالب راهبرد قدرت پل زنده در سیاست خارجی داده است. این تغییر نگاه و اولویت امر اقتصادی در سیاست خارجی باعث نزدیکی هند به قدرت‌های بزرگ و حتی رقبای منطقه‌ای آن از جمله پاکستان و چین شده است. یکی از اولویت‌ها در قالب نگاه به شرق تجلی پیدا کرده است. سیاست «نگاه به شرق»، به وسیله حکومت ناروسیما رائو در ۱۹۹۱ اعلام شد و دولت‌های بعد از او عمدتاً تلاش دارند این سیاست را اجرایی کنند. ایده مرکزی این راهبرد این است که هند بایستی تلاش کند روابط مشارکت مانند تثبیت‌شده‌ای را با کشورهای جنوب شرق در حوزه‌های راهبردی

و اقتصادی برقرار کند و موازنه‌ای را در برابر ظهور چین در منطقه ایجاد کند (Goldberg, thoughtco. 2019). یکی از مؤلفه‌های مهم راهبرد نگاه به شرق شبکه‌سازی است. شبکه‌سازی ژئواکونومیک توسط هند طبق استراتژی کلان هند که در آن جهان را به سه دایره متحدالمرکز تعریف کرده است صورت می‌گیرد. اولین دایره همسایگان نزدیک هند را دربرمی‌گیرد. در محیط این دایره، هند در پی کسب موقعیت هژمونی منطقه‌ای است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند، دایره دوم، منطقه وسیع‌تری از همسایگان هند را دربرمی‌گیرد که محیط آن را آسیا و حاشیه اقیانوس هند تشکیل می‌دهد. در این محیط هند به دنبال موازنه در برابر دیگر قدرت‌ها و ممانعت از برتری آن‌ها هست. دایره سوم که در واقع کل جهان را در برمی‌گیرد، تلاش هند در جهت کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است. در این استراتژی دو کشور هند و پاکستان همواره نقش کلیدی را دارند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲).

شبکه‌سازی در آسیای جنوب غربی نیز از این دریچه نگریسته می‌شود به‌خصوص که هند از نظر جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی قدرت برتر در این منطقه است. نخست‌وزیر سابق هند، مان موهان سینگ، در اجلاس اتحادیه همکاری منطقه‌ای در داکار ۲۰۰۵، در ارتباط با شبکه‌سازی بیشتر در آسیای جنوبی بر این اعتقاد بود: «ما بایستی اولین تصمیم برای مرتبط کردن کشورهای منطقه شبه‌قاره به یکدیگر را از یک‌طرف بگیریم و سپس تلاش کنیم منطقه شبه‌قاره را به همسایگانش در آسیا از طرف دیگر پیوند بزنیم (Singh, Mea. 2005). البته این اقدام هند، واکنشی به حضور فزاینده چین در محیط پیرامونی‌اش بود و در تلاش بود از این طریق زمینه نفوذ بیشتر خویش در محیط اطراف را با هدف تداوم رشد اقتصادی فراهم آورد. البته شبکه‌سازی در درون شورای همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا<sup>۱</sup> به خاطر رقابت میان هند و پاکستان هنوز شروع نشده است و هند در حال حاضر اولویت شکل‌دهی به شبکه موردنظر خود را به سمت آسیای جنوب شرقی تغییر داده است. در قالب سیاست نگاه به شرق بر روی شبکه‌سازی با کشورهای عضو اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا یعنی آسه آن<sup>۲</sup> متمرکز شده است. اصلی‌ترین استدلالی که در این رابطه وجود دارد این است که حضور فزاینده چین در منطقه، فضای ژئواستراتژیک هند را با محدودیت روبرو کرده است و به یک چالش جدی برای منافع بلندمدت این کشور تبدیل شده است (Yhome, 2015: 1223).

دهلی نو پذیرفته است که آسه آن نه تنها مرکز همکاری در منطقه اقیانوس هند - پاسفیک است بلکه نقش مهمی در تکامل معماری امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای ایفا می‌کند. دلیل دیگر این است که هند پذیرفته پیوند شمال شرقی محصور در خشکی، توسعه‌نیافته و درگیر تعارض از طریق شبکه تجاری با آسیای جنوب شرقی می‌تواند سودمند باشد و می‌تواند به‌عنوان یک بزرگراه از آسیای شرقی به آسیای جنوبی کمک کند؛ بنابراین، کریدورهای اقتصادی متفاوت و پروژه‌های پیوند زننده در سطح زیر منطقه‌ای موردتوجه دهلی نو قرار گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به بزرگراه‌های آسیایی ۱ و ۲ اشاره کرد که توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و پاسفیک نیز به تصویب رسیده

۱. سارک

۲. ASEAN

است و از دولت‌های شمال شرقی عبور می‌کند همچنین، بخشی از این پروژه شامل آزادراه هند- میانمار- تایلند باشد. به همین خاطر در ژوئن ۲۰۱۵، موافقت‌نامه مربوط به ارتباط بین بنگلادش - بوتان - هند - نپال را در دستور کار قرار دادند و بیش از ۱,۰۸ میلیارد دلار برای ایجاد و توسعه جاده‌ای که بوتان، بنگلادش و نپال را به هم وصل می‌کند توسط دولت هند تصویب شد. این موافقت‌نامه هم در زمان و هزینه انتقال کالا باعث کاهش می‌شود و هم فاصله بین دولت‌های پیرامونی هند و دولت‌های محصور در خشکی شمال شرقی و بندر کلکته را تا حدود ۱۰۰۰ کیلومتر کم می‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد آنچه برای هند از شبکه‌سازی اهمیت دارد تمرکز بر منطقه شبه‌قاره و آسیای جنوب شرقی است (Srikanth. epw.2016).

رابطه با میانمار - باهدف اجرای سیاست اولویت به همسایگی - از اهمیت ویژه‌ای در به‌ویژه با این استدلال برخوردار است که می‌تواند دروازه ورود به آسیای شرقی باشد. به این دلیل، حکومت هند به دنبال بهبود شبکه ارتباطی با این کشور به‌منظور پیوند با آسیای جنوب شرقی است؛ بنابراین آزادراه هند- میانمار- تایلند که هم‌اکنون در حال ساخت است و احتمالاً تحت عنوان کریدور اقتصادی شرق- غرب به سمت لائوس، کامبوج و ویتنام کشیده می‌شود. دیگر ابتکار مهم پروژه حمل‌ونقل چندمنظوره کالادان<sup>۱</sup> است که کلکته را به سیتووه در دریا متصل می‌کند، سپس سیتووه به لاشیو از طریق رودخانه کالادان و سرانجام لاشیو با میزورام از طریق جاده عمومی متصل می‌شود. سنگاپور یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در هند است؛ بنابراین همکاری اقتصادی روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. با این وجود، در سال ۲۰۱۶، دو طرف موافقت‌نامه مربوط به همکاری‌های راهبردی که باعث شکل‌گیری فرصت‌های همکاری‌ها در سیاسی، دفاعی و نظامی می‌شود را امضا کردند. سنگاپور اولین کشور از مجموعه آسه آن است که موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی جامع با هندوستان را امضا کرده است (Ramabadran, 2017:15). در مورد ویتنام، در کنار همکاری‌های سیاسی و دفاعی، هند علاقه‌مند به منابع هیدروکربن دریای چین جنوبی است. گسترش شبکه فروش کالاهای هندی در بازار ویتنام یکی از منافع مشترک دو طرف است در حالی که در سال ۲۰۲۰ تجارت دوجانبه میان دو کشور به ۱۵ میلیارد دلار رسیده است (Borah. Thedi diplomat. 2017).

#### ۴- راهبرد شبکه‌سازی هند در اوراسیا

در مرحله دوم شبکه‌سازی هند تلاش می‌کند به سمت کشورهای حاشیه اقیانوس هند از جمله ایران با هدف دسترسی به آسیای مرکزی در کوتاه‌مدت و اوراسیا در بلندمدت حرکت کند. در این چهارچوب هند به فراتر از خویش به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌اندیشد. سه دهه رشد مستمر اقتصادی و نیازهای مبرم یک‌ششم جمعیت جهان متمرکز در هند، سبب افزایش توجه این کشور به اهداف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی در محیط پیرامونی هند شامل آسیای مرکزی شده است به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار شده است. اهمیت آسیای مرکزی برای هند به چند دلیل است؛ در مرحله اول افراطی

1 - Kaladan Multimodal Transit Transport Project

گری اسلامی در منطقه آسیای مرکزی و ترس از سرایت آن به مناطق پیرامونی این کشور، حضور دشمنانی چون چین و پاکستان در منطقه از جمله این مشکلات است. به‌خصوص که تجربه دولت‌های چند قومی - چند مذهبی و فروپاشی آن‌ها از جمله جمهوری فدرال یوگسلاوی و شوروی سابق به سیاستمداران هندی این هشدار را می‌دهد که آن‌ها نیز به خاطر داشتن موزاییکی از اقوام و مذاهب ممکن است دچار چنین سرنوشتی شوند؛ جامعه چند قومی و چند مذهبی هند و اقلیت بزرگ مسلمان که در مناطق شمالی و جنوب غربی این کشور قرار دارند و سطح پایین توسعه اقتصادی و اجتماعی در این مناطق هر لحظه امکان فروپاشی جامعه آن وجود دارد، در نتیجه هند با حضور در منطقه آسیای مرکزی از سرایت ناآرامی به مناطق مسلمان‌نشین خویش جلوگیری به عمل آورد (Laruelle, 2010: 45)؛ به‌ویژه آنکه اقلیت مسلمان هند استقلال کشورهای آسیای مرکزی از شوروی را به‌عنوان یک الگو در نظر می‌گیرند به‌خصوص که کشمیر جدایی طلب نه تنها از نظر سیاسی بی‌ثبات و از بعد فرهنگی و مذهبی متفاوت از کلیت جامعه هند است که از حیث اقتصادی و جغرافیایی نیز در حاشیه ژئوپلیتیک هند قرار گرفته است. از این رو هرگونه ناآرامی در منطقه آسیای مرکزی می‌تواند با حمایت کشورهای چین پاکستان به مناطق درونی هند منتقل و زمینه بی‌ثباتی درونی آن را فراهم آورد. هند با ورود به منطقه آسیای مرکزی ضمن افزایش عمق راهبردی خود از طریق افغانستان تلاش خواهند کرد تا از سرایت بی‌ثباتی و ناامنی به درون مناطق مسلمان‌نشین خود جلوگیری به عمل آورد. راهبرد «سیاست ارتباط با آسیای مرکزی»<sup>۱</sup> با این هدف به دنبال نفوذ بیشتر هند در آسیای مرکزی است (Zafar, 2015: 2). هند به‌واقع از این طریق در قالب بازی بزرگ جدید وارد آسیای مرکزی برای ایجاد موازنه در برابر چین و پاکستان می‌شود (Mubeen & Bushra, 2015: 188). به‌خصوص که چین از طریق سازمان همکاری شانگهای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی را به پیش می‌برد؛ بنابراین برای ایجاد موازنه در برابر چین در سال ۲۰۱۵ به عضویت کامل این سازمان تبدیل شد (Thehindu, 2015).

در آسیای مرکزی هند در تلاش است تا خود را به‌عنوان الگوی موفقیت‌آمیز گذار سیاسی - اقتصادی معرفی کند که نسبت به مدل چینی دارای تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی کمتری است. همچنین تأمین نیازهای مقطعی هند از سوی کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه صنعت و فناوری به‌جای مانده از شوروی سابق همچنان می‌تواند بخشی از نیازهای هند را برآورده کند. برای مثال، هند مذاکراتی در ارتباط با خرید هواپیما از کارخانه حمل‌ونقل هوایی تاپو<sup>۲</sup> ازبکستان و همچنین خرید احتمالی قطعات تولیدی اژدر از قرقیزستان و قزاقستان، یا موافقت‌نامه‌های مربوط به همکاری فضایی با قزاقستان را امضاء کرده است (Laruelle, 2010, 20-21).

هند از دو مسیر برای دستیابی به آسیای مرکزی تلاش می‌کند مسیر اول مسیر افغانستان است. به همین خاطر، هند در ارتباط با افغانستان درصدد است مانع از بازگشت طالبان به قدرت شود و رژیم باثبات قدرت را در دست گیرد تا بتواند مسیری را از طریق افغانستان برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی ایجاد کرده و پیوندهای اقتصادی با افغانستان را بهبود بخشد (K Nair, 2015: 6). علاوه بر تلاش برای حضور نیروهای ناتو در افغانستان این کشور در فرایند

<sup>1</sup> - Connect Central Asia' policy

<sup>2</sup> - TAPO

بازسازی افغانستان به‌طور فعالانه مشارکت دارد. دیدارهایمان موهان سینگ از واشنگتن در سال ۲۰۰۹ و گفتگوهای راهبردی امریکا - هند در سال ۲۰۱۰ نیز حاکی از نگرانی هند از بازگشت مجدد طالبان به قدرت بوده است (Price, 2013, 2-5). در همین راستا، هند با اختصاص ۱/۲ میلیارد دلار کمک برای بازسازی افغانستان در دوره بعد از فروپاشی طالبان تا سال ۲۰۱۳ نقش پررنگی را در بازسازی افغانستان به‌ویژه از طریق مشارکت در ساخت بزرگراه زرنج - دلارام و نیروگاه برق‌آبی سلما ایفا کرده است (K Nair, 2015: 12).

همچنین هند در تلاش است تا با احیای نقش افغانستان در ارتباط بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی حضور خود در افغانستان را پایدار کند. ابزارهای هند برای اجرایی کردن این هدف، احیای جاده ابریشم و خطوط انتقال گاز است؛ پروژه بلندمدت انتقال گاز از ترکمنستان به افغانستان - پاکستان و سپس هند تحت عنوان تاپی<sup>۱</sup> که توسط بانک توسعه آسیایی حمایت مالی می‌شود در این راستا قابل توجه است (Verma, 2010: 23). مقابله با نفوذ بلندمدت چین و پاکستان و ناتو در افغانستان از دیگر انگیزه‌های همکاری هند با ایران و روسیه در این کشور درگیر بحران است. در طول تاریخ هند تلاش کرده تا از سیطره قدرت‌های خارجی بر افغانستان جلوگیری کند تا از این طریق از نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به درون عمق راهبردی خود جلوگیری به عمل آورد. برای مثال، این کشور نگران از حضور چین و پاکستان در افغانستان و تلاش برای ایجاد ناآرامی در کشمیر و مناطق مسلمان‌نشین است (Laruelle, 2010: 83-84). با وجود رابطه نزدیک با امریکا و کشورهای اروپایی، حضور بلندمدت نیروهای ناتو در افغانستان را برخلاف منافع ملی و امنیتی خود قلمداد می‌کند؛ زیرا از نظر هندی‌ها ناتو ممکن است امروز نسبت به هند نگرش منفی نداشته باشد اما فردا قابل پیش‌بینی نیست. امریکا ممکن است همانند بسیاری از قدرت‌های دیگر تلاش کند تا حضور خود در افغانستان را دائمی کند و این حضور برخلاف منافع راهبردی هند است. به‌خصوص که امریکا تلاش می‌کند پشتون‌ها را در افغانستان برتری بخشد (Laruelle, 2010: 53).

راهبرد بلندمدت هند، حضور در کلان منطقه اوراسیا در قالبی فراتر از اوراسیای مرکزی به‌ویژه برای مقابله با ابتکار یک کمربند و یک جاده چین، از طریق اجرایی کردن کریدور حمل‌ونقل شمال- جنوب مورد توجه است که هدفش ارتباط بهتر هند با ایران، روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و اروپای شرقی در بلندمدت است. اینستک نتیجه موافقت‌نامه‌ای بین ایران، هند و روسیه در سال ۲۰۰۰ میلادی در سن‌پترزبورگ است که البته بعداً ۱۱ کشور دیگر نیز به آن پیوستند. این ابتکار، به‌عنوان یک کریدور چندحالتی با ۷۲۰۰ کیلومتر مسافت در نظر گرفته شده است که از هند شروع به روسیه و اروپا منتهی می‌شود و اقیانوس هند و خلیج فارس را با دریای خزر مرتبط می‌کند. اینستک خطوط دریایی و زمینی از جمله خط اتومبیل‌رو و قطار را به‌عنوان مهم‌ترین بخش‌های ارتباطی خویش مورد توجه قرار داده است. کالاها از طریق کشتی از بندر جواهر لعل نهرو و کندلا<sup>۲</sup> در غرب هند به بندرعباس (و احتمالاً بندر چابهار ایران) انتقال داده می‌شوند، سپس به‌وسیله خطوط زمینی و قطاری به باکو و سپس مسکو و سن‌پترزبورگ و از آنجا به اروپا انتقال داده می‌شود

1 - Tapi

2 - Kendla

(Shepard. Forbes. 2017). آنچه برای موفقیت اینستک مهم است همکاری میان ایران، روسیه و هند است. در آوریل ۲۰۱۸ سه کشور به منظور تسریع در اجرای اینستک کنار هم قرار گرفتند. به‌رحال این مسیر می‌تواند طی ۱۶ تا ۲۰ روز کالاهای هندی را به روسیه منتقل کند (Singh and Singh. Russian council. 2016). و در نهایت آنچه بایستی ذکر شود این است که هند قصد دارد به اتحادیه اقتصادی اوراسیا بپیوندد. با پیوستن به این اتحادیه امکان دسترسی به کالاهای سراسر آن فضای جغرافیایی از طریق تعرفه یکسان امکان‌پذیر است. با پیوستن به این اتحادیه هند اجازه خواهد داشت تا از شبکه ریلی و جاده‌ای داخلی اتحادیه استفاده کند. بندر چابهار به‌عنوان پیوندی که از افغانستان عبور می‌کند و به آسیای مرکزی می‌رسد و می‌تواند به درون منطقه پوشش داده‌شده به‌وسیله اتحادیه اقتصادی اوراسیا برد اهمیت ویژه‌ای دارد که البته بحث بیشتر در ارتباط با آن را به بخش بعدی هم پژوهش موکول خواهیم کرد.

## ۵- جایگاه ایران در راهبرد شبکه‌سازی هند در اوراسیا

علاوه بر مسیر افغانستان و خشکی، هند تلاش می‌کند از طریق مسیر دریایی به‌عنوان گزینه‌ای مهم برای ارتباط با اوراسیا وارد عمل شود. مهم‌ترین بندری که هندی‌ها بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند بندر چابهار است که در راستای اهداف ژئوپلیتیک هند نقشی فراتر از یک بندر را ایفا می‌کند که در رقابت با چین در توسعه بندر گوادر<sup>۱</sup> پاکستان است. به عبارتی، نقش ایران برای امنیت انرژی هند و سهمی که هند از انرژی وارداتی ایران دارد و رقابت با چین در دریای عمان و اقیانوس هند باعث می‌شود که نقش ایران در اتصال هند به اوراسیا اجتناب‌ناپذیر باشد (Sing. Eurasia review. 2016).

سفر نخست‌وزیر نارندا مودی<sup>۲</sup> (ژوئیه ۲۰۱۵) به روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی برای تقویت «سیاست اتصال آسیای مرکزی»<sup>۳</sup> به هند بود. نخست‌وزیر نارندا مودی در جریان سفر خود به تهران در ماه مه ۲۰۱۶ قرارداد بندر چابهار را در این راستا امضا کرد. این حرکات نشانه نقش محوری اوراسیا برای هند است. طبق اعلام وزارت امور خارجه هند، اوراسیا شامل روسیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، بلاروس، کشورهای آسیای مرکزی، گرجستان و اوکراین است (MEA India, 2016).

هند از طریق روابط تمدنی، ژئو فرهنگی و تجاری با این کشورها به دنبال شکل‌دهی به نفوذ ژئوپلیتیک خویش است. در شرایط کنونی، هند در تلاش است تا این مشترکات را از نظر منافع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی نیز شکوفا سازد. از نقطه نظر امنیتی، عواملی مانند تروریسم، مواد مخدر، بنیادگرایی رادیکال و مسائل هسته‌ای زمینه‌های ادغام دوباره اوراسیا را تهدید می‌کنند. علاوه‌براین، فقدان مسیرهای مستقیم ارتباطی باعث می‌شود هند نتواند آن‌طور که شایسته هست همکاری‌های اقتصادی خود را با منطقه اوراسیا تقویت کند. در این راستا، مهم‌ترین چالش هند، محور در حال

<sup>1</sup> - Gwader

<sup>2</sup> - Narendra Modi

<sup>3</sup> - Connect Central Asia Policy



ظهور چین - پاکستان است. افزایش چشمگیر تلاش‌های هند برای همکاری با اوراسیا از این نگرانی‌ها ناشی می‌شود. به همین خاطر برخی پژوهشگران از محور ایران - هند به‌عنوان راهکار موازنه بخشی با چین - پاکستان در اوراسیا صحبت می‌کنند. هند در تلاش است تا از ایران به‌عنوان راهی مناسب برای اتصال خود به منطقه اوراسیا، استفاده کند. برای دستیابی به این هدف، هند قراردادهایی مانند کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب<sup>۱</sup> و توسعه بندر چابهار را با ایران امضا کرده است. در این کریدور بندر چابهار و راه‌های زمینی اتصال آن به مرز ترکمنستان، کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل زمینی کالا در کریدور شرق و شاهراه تغذیه کشورهای آسیای مرکزی معرفی شده است. هزینه‌های حمل کالاهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال - جنوب، نسبت به سایر مسیرهای سنتی تا ۴۰٪ کوتاه‌تر و تا ۳۰٪ ارزان‌تر از مسیر کانال سوئز است (سینگ روی، ۱۳۸۰: ۵۵). هر دو کشور اهداف مشابهی مانند احیای جاده ابریشم قدیمی از طریق شبکه‌های راه‌آهن مشترک نیز دارند. ایران با روسیه و هند توافق‌نامه‌ای بین دولتی در اینستک یا کریدور - شمال جنوب، در سپتامبر ۲۰۰۰ در سن‌پترزبورگ امضا کردند و از ۱۶ مه ۲۰۰۲ به اجرا درآمد. انتظار می‌رفت که کریدور شمال- جنوب معروف به اینستک، باعث تقویت همکاری‌های اقتصادی هند و اوراسیا باشد ( Silk Road Briefing, 2020).

بر اساس گزارش سالانه وزارت امور خارجه هند در سال ۲۰۱۶، دیدار وزیر کابینه هند، نیتین گادکاری<sup>۲</sup>، در ماه مه ۲۰۱۵ از ایران، انگیزه قابل‌توجهی در پیشبرد این تلاش‌ها به همراه داشته است. وی برای پروژه ۸۵ میلیون دلاری بندر چابهار با وزیر راه ایران، عباس احمد آخوندی، تفاهم‌نامه همکاری امضا کرد. ( Press Trust of India (PTI), 2015). بندر چابهار به موازات ابتکار جاده -کمربند چین<sup>۳</sup> در پاکستان است که ایران هم به‌طور انفرادی در توسعه اقتصادی و هم به‌صورت چندجانبه از تکمیل پروژه کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال - جنوب سود خواهد برد؛ بنابراین، این امکانات ایران را به قطب مهم تجارت و ترانزیت در قلب اوراسیا تبدیل می‌کند و همچنین، دریچه‌ای از فرصت‌ها را برای هند باز می‌کند.

در سال ۲۰۱۶، هند یک موافقت‌نامه سه‌جانبه با ایران و افغانستان با هدف ارتباط چابهار از طریق زاهدان در ایران به زرنج در افغانستان و از آنجا به دلارام امضا کرد. هدف این است که کالاهای افغانی ساخته‌شده از طریق زاهدان با حدود ۱۳۸۰ کیلومتر خط ریلی به چابهار و از آنجا به‌وسیله کشتی به هندوستان منتقل شود. آنچه برای هند از نظر استراتژیک اهمیت دارد فاصله ۷۰ کیلومتری بین بندر چابهار ایران با بندر گوادر پاکستان است که توسط چینی‌ها توسعه داده‌شده است و امکان دسترسی به افغانستان از طریق پاکستان را فراهم می‌آورد. مسیر جدید به هندوستان اجازه می‌دهد مواد خام و معدنی را از افغانستان و آسیای مرکزی به هندوستان انتقال دهد. اینستک زمانی به یک موفقیت در سیاست خارجی هند تبدیل می‌شود که دهلی نو بتواند جایگاه خویش را به‌عنوان یک راه جایگزین برای دسترسی به اوراسیا به

<sup>1</sup> - International North-South Transport Corridor (INSTC)

<sup>2</sup> - Nitin Gadkari

<sup>3</sup> - Belt and Road Initiative (BRI)

اثبات برساند و آن را فراتر از منافع اقتصادی‌اش ببیند. هند و ایران برای تقویت ارتباط بین چابهار و بندر گجرات<sup>۱</sup>، در حال مذاکره در مورد خط لوله انتقال گاز از زیر بستر دریا با هزینه ۴,۵ میلیارد دلاری البته قبل از خروج امریکا از موافقت‌نامه جامع اقدام مشترک بودند. این خط ظرفیت حمل روزانه تقریباً ۳۲ میلیون مترمکعب گاز را دارد. مسئولیت ساخت خط لوله گاز ایران به هند به طول ۱۴۰۰ کیلومتر را شرکت گاز آسیای جنوبی<sup>۲</sup> به عهده گرفته است؛ که این امر انگیزه مورد انتظار را به بندر چابهار می‌دهد و زمینه اقتصادی برای تجارت انرژی هند را فراهم می‌کند اگرچه ممکن است بسیار پرهزینه باشد (Ertas. AA. 2015).

ایران همچنین قصد دارد گاز ترکمنستان را با بندری که از قبل برای ارتباط از طریق خطوط لوله و مسیرهای ریلی آماده‌شده است متصل کند. این امر باعث تقویت تجارت هند و ایران و افغانستان با منطقه اوراسیا می‌شود و زمان و هزینه را کاهش می‌دهد (Azish & Parviz, 2016:13). علاوه بر این، عمان نیز به دلیل نزدیکی با چابهار علاقه خود را به خط لوله زیردریایی ایران و هند نشان داده است. این باعث می‌شود بندر چابهار از نظر ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بیشتری شود (Chaudhury. Economic times.india times. 2016).

با این وجود، هند علی‌رغم وابستگی ژئوپلیتیکی (به‌عنوان تنها مسیر دسترسی هند به آسیای مرکزی) به ایران برای دسترسی به آسیای مرکزی در مرحله اول و سپس حضور در کلان منطقه اوراسیا با چالش زیادی روبرو است: اول اینکه، میل هند به توسعه کریدور شمال - جنوب، با کمبود ظرفیت‌ها و منابع مالی روبرو است. با این وجود به نظر می‌رسد در بلندمدت اگر هند موفق شود کره جنوبی و ژاپن را نیز وارد کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال و جنوب کند به‌خصوص که دو کشور از توسعه چین نگران هستند آنگاه می‌تواند انتظار داشت این پروژه عملیاتی شود به‌خصوص که دو کشور اخیراً ذکرشده، می‌توانند منابع مالی موردنیازی برای اجرای اینستک را فراهم آورند که البته این بخش نیز در حال حاضر با یک چالش کلیدی یعنی تحریم‌های اعمالی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مواجه شده است. چالش دیگر برای اجرایی کردن اینستک به عدم توافق در ارتباط با وضعیت حقوقی و نظامی دریای خزر میان کشورهای ساحلی این دریا برمی‌گردد. به همین ترتیب در مورد افغانستان گفته می‌شود که به مسیری برای انتقال مواد مخدر و قاچاق کالا به‌خصوص در ضعف دولت مرکزی تبدیل شود. همچنین برخی بخش‌ها از جمله ۱۵۰ کیلومتر راه‌آهن در ایران از رشت تا آستارا، همچنان کامل نشده است (Volkhonsky. Rbth. 2016). به‌علاوه بحث ترخیص کالا در سه کشور به همراه مجوزهای گمرکی می‌تواند به یک چالش بزرگ حتی بعد از افتتاح تبدیل شود. همه این دلایل به همراه بی‌انگیزگی هند برای اجرای این پروژه باعث شده است که اخیراً ایران، از پاکستان و چین برای توسعه بندر چابهار دعوت به عمل آورد.

ازجمله دلایل دیگر هند در عملیاتی نشدن کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال و جنوب، وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران با حمایت امریکا است که این امر نشان از آن دارد که روابط تهران و دهلی نو آن‌چنان به بلوغ نرسیده که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار گیرد. به‌خصوص که به نظر می‌رسد هند به سمت یک اتحاد راهبردی با امریکا

1- Gujarat Port

2-The South Asia Gas Enterprise (SAGE)

و مجموعه غربی در دوره بعد از جنگ سرد حرکت کرده است (Martin, Michael F. & Et al, 2014: 3). به‌علاوه، این کشور بزرگ‌ترین مقصد کالاهای صادراتی و یکی از منابع مهم تأمین فناوری‌های نظامی و اطلاعاتی برای هند است. هند نگران است با فرارگیری بین ایران و ایالات متحده امریکا به‌خصوص بعد از خروج امریکا از موافقت‌نامه جامع اقدام مشترک و اعمال تحریم‌ها علیه ایران، آسیب ببیند. آنچه باعث بهبود در روابط دوجانبه شده منافع مشترک دو کشور در جلوگیری از به وجود آمدن آسیای تک‌قطبی به رهبری چین، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، افراطی‌گری به‌خصوص از نوع اسلامی و با حمایت پاکستان است؛ زیرا هند با داشتن ۱۶۰ میلیون مسلمان نگران از دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله چین و پاکستان در امور داخلی خود است؛ به‌خصوص بعد از حوادث تروریستی سال ۲۰۰۸ نگرانی از این وضعیت در میان سیاستمداران هندی باعث افزایش سطح همکاری‌های اطلاعاتی میان هند و امریکا شد. بایستی خاطرنشان کرد هند از طریق نزدیکی به امریکا می‌تواند به نحو بهتری منافع ملی‌اش در افغانستان و پاکستان را دنبال کند (Blackwill & et al, 2011: 7-9).

نزدیکی هند به امریکا به نگرانی عمده‌ای برای ایران تبدیل شده است. تحت تأثیر رابطه نزدیک میان دو کشور بود که در سال ۲۰۰۵ میلادی هند با رأی مثبت برای انتقال پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد. در مورد اثرگذاری تحریم‌ها همین بس که گفته می‌شود تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ هیچ‌گونه تلاش جدی برای پیشبرد این پروژه صورت نگرفت. در این مدت، هندوستان به سمت ایالات متحده گرایش داشت و با سخت‌گیری‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران موافق بود. با این وجود، نقشی که هند در کمک به ایران در زمان تحریم‌های بین‌المللی ایفا می‌کرد را نمی‌شود نادیده گرفت (kharazmi. Iranreview. 2016). در کل نظر می‌رسد که عمل‌گرایی هندی به یک مانع جدی بر سر راه توسعه کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال - جنوب با محوریت بندر چابهار است. چرا که هندی‌ها انتظار دارند تحت تأثیر توسعه رابطه ایران و هند، نوع کنش این کشور با رقبای منطقه‌ای ایران محدود شود. برای مثال هندوستان، در جهت گسترش رابطه با عربستان سعودی حرکت کرده است. هند بخشی از نیازی‌های خویش به انرژی را از طریق بهبود رابطه با عربستان سعودی تأمین می‌کند. رابطه دو کشور طی دو دهه اخیر به سمت یک رابطه راهبردی سوق پیدا کرده است. رابطه نزدیک دو کشور به مرحله‌ای رسیده که با حمایت‌های عربستان سعودی هند به‌عنوان عضو ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی پذیرفته شده است (Sikri, 2013: 121).

رابطه نزدیک و مثبت میان هند و عربستان سعودی با در نظر داشتن ملاحظات ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوپلیتیک محدودیت‌هایی را برای رابطه ایران و هند به وجود می‌آورد چراکه از نظر ژئواکونومیک ایران و عربستان سعودی با برخورداری از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی دنیا برای به دست آوردن بازارهایی برای فروش نفت تولیدی از جمله هند با هم رقابت دارند. نزدیکی میان هند و عربستان سعودی باعث خواهد شد که یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت تولیدی ایران، نفت عربستان سعودی را به‌عنوان جایگزینی برای ایران در نظر گرفته و از این طریق از وزن ژئواکونومیک ایران نزد هند کاسته خواهد شد؛ از نظر ژئوپلیتیک نیز ایران و عربستان سعودی در تلاش هستند تا به قدرت برتر در منطقه

خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل شوند. در این راستا دو کشور راهبردهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. عربستان سعودی با همکاری کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و دائمی کردن حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله امریکا در منطقه تلاش کرده است تا بر میزان نفوذ خود بیفزاید. این در حالی است که ایران تلاش دارد با همکاری کشورهای منطقه‌ای نظم در منطقه خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس را برقرار کند. موفقیت هریک از این دو راهبرد باعث انزوای ژئوپلیتیک دیگری خواهد شد متمایل شدن هند به عربستان سعودی باعث کاهش وزن ژئوپلیتیک ایران در منطقه خاورمیانه خواهد شد؛ از نظر ژئوکالچر نیز ایران و عربستان هرکدام در تلاش هستند تا خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام معرفی کنند. عربستان با تبلیغ وهابی‌گری تلاش دارد تا نظمی فرهنگی در شبه‌جزیره عربستان و فراتر از آن یعنی خلیج فارس و خاورمیانه به وجود آورد درحالی‌که ایران قصد دارد با نشر و گسترش شیعه‌گری و حمایت از انقلابی‌گری به دنبال ایجاد نظم موردنظر خود در منطقه خاورمیانه است (Mumtaz, 2010: 2-4). باین‌وجود به نظر می‌رسد ایرانی‌ها نگاه مبتنی بر واقعیت حاکم بر سیاست خارجی هند نسبت به خویش را درک می‌کنند و علی‌رغم آنکه در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ هند از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت کرد و علی‌رغم همراهی هند با تحریم‌های بین‌المللی در موضوع هسته‌ای، ایران به هند به‌عنوان یکی از ستون‌های سیاست نگاه به شرق خویش می‌نگرد (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱: ۸۸). نگاه مثبت ایرانی‌ها در گذشته نیز جریان داشته است به‌گونه‌ای که ایرانی‌ها همواره بر پیوستگی کشمیر به هندوستان تأکید کرده‌اند و در تنش‌های میان پاکستان و هندوستان بر سر موضوع کشمیر بر یکپارچگی سرزمینی هندوستان تأکید ورزیده‌اند؛ برای مثال طی دیدار نارو سیمارائو از تهران در سال ۱۹۹۳، ایران از مواضع هند حمایت کرد (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

## ۶- نتیجه‌گیری

از نظر دولتمردان در دهلی نو، ابتکار یک کمربند یک جاده می‌تواند هژمونی چین را در آسیا تضمین کند و نمی‌خواهند وارد طرحی شوند که ابتکار آن در دست چینی‌ها باشد. شاید به تلافی حضور چین در محیط بلافصل خویش، دهلی نو نقطه آغاز شبکه‌سازی منطقه‌ای خویش را جنوب شرقی آسیا قرار داده است؛ اما در کنار تقویت نفوذ خود از طریق ایجاد شبکه در جنوب شرق آسیا، در تلاش است د با طرح کریدور شمال - جنوب به فراتر از آسیای جنوب غربی رود. ابتکاری که هند را از طریق ایران به آذربایجان، از آنجا به روسیه و نهایتاً به اروپا می‌رساند. در این میان نقش ایران در این کریدور حیاتی است. بندر چابهار به دلیل اهمیت ژئواستراتژیکی و موقعیتی که در جنوب سیستان و بلوچستان ایران دارد مشهور است. قرار بر این است که مسیر ریلی / جاده میلاک- زرنج- دلارام به بندر چابهار متصل شود تا آسیای مرکزی از این طریق مسیر ارتباط با هند پیدا کند. این مسیر برای تسهیل فعالیت‌های تجاری و ترانزیتی در منطقه برنامه‌ریزی شده بود. هند ۱۰۰ میلیون دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری کرده است. لازم به ذکر است هندی‌ها قبلاً جاده ۲۰۰ کیلومتری زرنج به دلارام در افغانستان در نزدیکی مرز ایران را در سال ۲۰۰۹ تکمیل کرده است. اهمیت این مسیر در این است که فاصله هند و آسیای مرکزی را به ۱۵۰۰ کیلومتر کاهش می‌دهد و بدین ترتیب حرکت منطقه‌ای تجارت و کالاها را ارتقا می‌بخشد. باین وجود آنچه به یک مانع مهم برای عملیاتی کرده ایده هند برای ارتباط با آسیای مرکزی، روسیه و اروپا تبدیل شده است عبارت‌اند از عواملی همچون فشارهای تحریمی ایالات متحده امریکا علیه ایران و کمبود مالی نزد دولت هند برای اجرای کردن بخش‌های مختلف پروژه است که گاهی با فقدان اراده هندی‌ها نیز همراه می‌شود.

## منابع

- سینگ روی، مینا، (۱۳۸۰)، «علائق استراتژیک هند در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۰، شماره ۳۵-۳۶.
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۷)، «نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل فرایندهای آن از دیدگاه تئوری سیکلی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴، سال دوم، صص ۹۶-۱۲۹.
- قاسمی، فرهاد، لطفیان اکبرآبادی، زهرا، (۱۳۹۲)، «تأثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۴-۱۲۵.
- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۸)، موازنه گرایی در سیاست ژئوپلیتیکی هند (با تاکید بر نقش و جایگاه بندر چابهار)، پژوهش‌های دانش زمین، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۴۶-۶۵۶.
- سجادی‌پور، محمدکاظم و پهلوانی، مهرداد، (۱۳۹۱)، «جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط هند و ایالات متحده امریکا»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۸-۹۳.
- نیاکوئی، امیر و بهرامی مقدم، سجاد، (۱۳۹۲)، «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۶، شماره ۱.
- Azish, M., & Parviz, S. (2016). Development of strategic Chabahar Port speeds up. Islamic Republic News Agency (IRNA). (Observed: 23/10/2020) at: <http://www.irna.ir/en/News/81951586/>.
- Blackwill, R., D. & et al (2011). "The United States and India a Shared Strategic Future" (Observed: 20/11/2014) at: <http://www.cfr.org/content/publications/attachments/USIndiaJointStudyGroupIIGG.pdf>.
- Borah, R. (2016). Why India and Vietnam Need Each Other (Observed: 13/12/2020) at: <http://thediplomat.com/2016/09/why-india-and-vietnam-need-each-other/>.
- Chaudhury, D. R. (2016). India eyes role for itself at Oman's strategic Duqm port. *The Economic Times*. (Observed: 13/10/2020) at: <http://economictimesmes.indiatimes.com/news/economy/foreign-trade/india-eyes-role-for-itself-at-omans-strategic-duqm-port/articleshow/52981689.cms>
- Ertas, U. (2015). Iran, India to build Subsea Gas pipeline. *Energy Terminal*. (Observed: 11/9/2020) at: <https://www.aa.com.tr/en/energy/natural-gas/iran-india-to-build-subseagas-pipeline/8116>.
- Fair, C. C. (2010). Indo-Iranian Relations-What Prospects for Transformation?. *Indo-Iranian Relations-What Prospects for Transformation*.
- Goldberg, J. (2017). India's Look East Policy (Observed: 17/5/2019) at: <https://www.thoughtco.com/look-east-policy-of-india-1435050>.

- Gomory, R., & Baumol, W. J. (2009). Globalization: Country and company interests in conflict. *Journal of policy modeling*, 31(4), 540-555.
- Kahler, M. (2004). Defining accountability up: The global economic multilaterals. *Government and Opposition*, 39(2), 132-158. (Observed: 12/11/2019) at: [https:// onlinelibrary. wiley. com/doi/abs/10.1111/j.1477-7053.2004.00003.x](https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1477-7053.2004.00003.x).
- Kharazmi, M. (2016). Iran, India open new chapter in relations after JCPOA. *Iran Review*. (Observed: 12/10/2020) at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/Iran-India-Open-New-Chapter-in-Relations-after-JCPOA.htm>.
- Nair, K. K. (2015). India's Role in Afghanistan Post 2014 Strategy, Policy and Implementation. *Centre for Land Warfare Studies*, 6.
- Laruelle, M. (2010). Russia facing China and India in Central Asia: Cooperation, competition, and hesitations. In *China and India in Central Asia* (pp. 9-24). Palgrave Macmillan, New York.
- Ministry of External Affairs (MEA) (2016). Annual report 2015–16), New Delhi, India: Policy Planning and Research Division.
- Mohan, R. C. (2006). "India's New Foreign Policy Strategy"(Report), Beijing: China Reform Forum and the Carnegie Endowment for International Peace, pp. 1-7.
- Mubeen, A., & Bushra, F. (2015). Strategic and Economic Interests of Pakistan and India in Central Asia, *South Asia Studies*, 30(2), pp187-200.
- Mumtaz, K. (2010). " Changing patterns of Saudi-Indian ties" (Observed: 15/11/2014) at: [http://www.issi.org.pk/publication-files/1299047326\\_38521947.pdf](http://www.issi.org.pk/publication-files/1299047326_38521947.pdf).
- Press Trust of India. (2015). India, Iran sign pact on developing Chabahar Port will give sea-land access route to Afghanistan. *The Economic Times* (Observed: 25/06/2020) at: <http://m.economictimes.com/industry/transportation/shipping-/transport/india-iran-sign-pact-on-developing-chabahar-port-will-give-sea-land-access-route-to-afghanistan/articleshows/47178661.cms>.
- Ramabadran, S. (2017). India's Act East Policy: From ASEAN to the Pacific. Southeast Asia Program at Hudson Institute (Observed: 20/12/2020) at: [http:// www. southasiaathudson.org/blog/2017/5/8/indias-act-east-policy-from-asean-to-the-pacific](http://www.southasiaathudson.org/blog/2017/5/8/indias-act-east-policy-from-asean-to-the-pacific)
- Shepard, W. (2016). Reconnecting Asia: The Story Behind The Emerging Baku-Tbilisi-Kars Rail Line. *Forbes*. (Observed: 22/09/2020)at: [https:// www. forbes. com/ sites/ wadeshepard/ 2016/12/15/reconnecting-asia-the-story-behind-the-emerging-baku-tbilisi-kars-rail-line/#6b6026e53978](https://www.forbes.com/sites/wadeshepard/2016/12/15/reconnecting-asia-the-story-behind-the-emerging-baku-tbilisi-kars-rail-line/#6b6026e53978)
- Sikri, R. (2009). *Challenge and strategy: rethinking India's foreign policy*. SAGE Publications India.
- Singh, S., & Sharma, M. (2017). INSTC: India-Russia's trade to get a major boost. *Indian Engineering Exports, September*. Retrieved from <http://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/instc-india-russia-s-trade-to-get-a-major-boost>.
- Srikanth, H. (2018). Look East Policy, Sub-regional Connectivity Projects and Northeast India. In *Mainstreaming the Northeast in India's Look and Act East Policy* (pp. 213-231). Palgrave Macmillan, Singapore. Retrieved from [https:// www. epw. in/ journal/ 2016/47/insight/look-east-policy-subregional-connectivity-projects-and-north-east-india.html?0=ip\\_login\\_no\\_cache%3Dd6907a7a03e92e6967facf11f28b18e4](https://www.epw.in/journal/2016/47/insight/look-east-policy-subregional-connectivity-projects-and-north-east-india.html?0=ip_login_no_cache%3Dd6907a7a03e92e6967facf11f28b18e4)
- Silk Road Briefing (2020). India and Russia to Connect Supply Chains via Iran's INSTC (Observed: 1/12/2020) at: [https:// www. silkroadbriefing. com/ news/ 2020/ 03/ 24/india-russia-connect-supply-chains-via-irans-instc/](https://www.silkroadbriefing.com/news/2020/03/24/india-russia-connect-supply-chains-via-irans-instc/).

- Singh, M. (2005). Prime Minister Manmohan Singh's speech at the SAARC Summit in Dhaka. Retrieved from [http://www.mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/2705/Statement\\_by\\_Prime\\_Minister\\_Dr\\_Manmohan\\_Singh\\_at\\_the\\_13th\\_SAARC\\_Summit](http://www.mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/2705/Statement_by_Prime_Minister_Dr_Manmohan_Singh_at_the_13th_SAARC_Summit)
- Singh, A. I. (2016). Why the Sino-Indian great game extends to Iran—Analysis. *Eurasia Review: A Journal of Analysis and News*. (Observed: 12/08/2020) at: <http://www.eurasiareview.com/23032016-why-the-sino-indian-great-game-extends-to-iran-analysis>.
- Thehindu (2015). India, Pakistan become full SCO members (Observed:12/5/2015) at: <http://www.thehindu.com/news/international/india-gets-full-membership-of-the-shanghai-cooperation-organisation-along-with-pakistan/article7407873.ece>.
- zafar, A. (2105). India-Central Asia: Finding New Synergies for Greater Engagement (Observed: 12/2016) at: <http://www.icwa.in/pdfs/PB/2014/IndiaCentralAsiaPB09072015.pdf>
- Volkhonsky, B. (2016). North-South Transport Corridor Begins Functioning. *Russia & India Report. Np, 12*. Retrieved from [https://in.rbth.com/blogs/the\\_outsiders\\_insight/2016/12/12/long-awaited-north-south-corridor-close-to-launch\\_655489](https://in.rbth.com/blogs/the_outsiders_insight/2016/12/12/long-awaited-north-south-corridor-close-to-launch_655489).
- Yhome, K. (2015). The Burma Roads: India's Search for Connectivity through Myanmar. *Asian survey*, 55(6), 1217-1240.





## Network Building Strategy and Position of I.R.I in the Foreign Policy of India in Eurasia

Ebrahim Taheri<sup>1\*</sup>

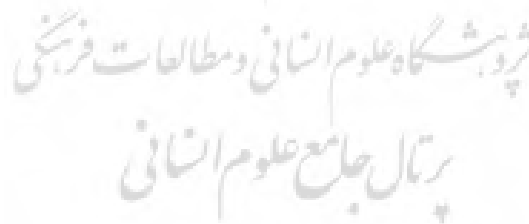
Received:2021/10/12

Accepted:2022/01/30

### Abstract

In the current international system, countries try to create the desired networks by linking issues with places. India is no exception and is trying to build its network. The research question is the attributes of network building in India's foreign policy and the position of Iran in this strategy? The results show that the first pillar of India's foreign policy network building strategy includes its immediate neighbors to connect South-West Asia with Southeast Asia. The next circle includes the countries of the Indian Ocean, including Iran. Finally, the third link seeks to connect India with Central Asia and beyond in the form of a north-south corridor. Of course, the three rings are completely connected and together form a network to Eurasia. Iran is in the second ring of India's networking, and India is looking to compete with China and Pakistan in Chabahar. However, with a long-term approach, it seeks to implement the North-South corridor with the aim of becoming a significant power. This research uses network theory as its theoretical framework, and the research method is the method of matching the case with the theory.

**Keywords:** India, Networks, Eurasia, Geoeconomic, Iran



<sup>1</sup> Assistant Professor of Political Science, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author) [etaheri@yazd.ac.ir](mailto:etaheri@yazd.ac.ir)

\* This article is in the form of a study of power structure in the Eurasian region with emphasis on the foreign policy strategy of China, Russia and India; "Opportunities and Challenges for Iran" is funded by the Central Eurasian Studies Center of the University of Tehran